

بررسی فرایند همگرایی در سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو

محمدتقی آذرشب* / مهدی صانعی**

چکیده

فرایند جهانی شدن اقتصاد و آثار آن بر زندگی ملل مختلف در سالهای اخیر موجب شده است تا دولت‌ها با حساسیت ویژه‌ای به شناخت همه جانبه این پدیده و اتخاذ تصمیمات مناسب برای بهره‌گیری از فواید و کاهش مضار آن همت گمارند، چرا که دستیابی به توسعه پایدار و متوازن، نیازمند توجه به توسعه‌ای جهانشمول است. و برای ایجاد رفاه عادلانه و بهبود اقتصادی در جوامع، باید فرایند جهانی شدن را هدایت کرد. از سوی دیگر، مدیریت بهتر این فرایند مشارکت فعالانه دولت‌ها، بخصوص کشورهای در حال توسعه را در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی می‌طلبد و چنین مشارکتی تنها در قالب همکاری‌های منطقه‌ای امکانپذیر است. سؤال اصلی که این مقاله در مقام پاسخگویی به آن برآمده علل همگرایی و واگرایی در میان اعضای تشکیل دهنده سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو است. فرضیه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مشکل بنیادی اکو نبود زمینه و امکانات لازم برای همکاری اقتصادی نیست، بلکه نبود اراده سیاسی و زیر ساخت‌های نهادی برای پویاسازی این سازمان است. برای افزایش همگرایی در اکو راهبردهایی پیشنهاد می‌شود، از جمله تقویت دبیرخانه اکو و افزایش شمار کارشناسان آن، ایجاد بستر مناسب برای فعالیت بخش خصوصی در راستای ایجاد همگرایی بیشتر، و با توجه به اینکه شبکه ترابری مهمترین مزیت نسبی برای کشورهای عضو است، پیشنهاد می‌شود که کشورهای عضو با بستر سازی نهادی، امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در این حوزه فراهم آورند.

کلید واژه‌ها

اکو، همگرایی، واگرایی، همکاری‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری.

* دکترای مدیریت استراتژیک از دانشگاه سانتامونیکا ایالات متحده آمریکا (نویسنده مسئول) m.azarshab@gmail.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

مقدمه

در هزاره سوم آهنگ جهانی شدن پرشتاب تراز گذشته است و اقتصادهای ملی برای ماندن و آمادگی در میدان رقابت جهانی به گروه بندیهای منطقه‌ای رو کرده‌اند. امروزه جداکردن مسائل اقتصادی و سیاسی از یکدیگر ممکن نیست و حتی همکاریهای اقتصادی نیز با مسائل سیاسی گره خورده است. «سازمان همکاری اقتصادی» نخست با عنوان «آر. سی. دی»^۱ در ژوئیه ۱۹۶۴ با عضویت ترکیه، ایران، پاکستان تشکیل شد ولی فعالیت آن به علل گوناگون از جمله بی‌اعتمادی و دلسردی اعضا از یکدیگر و همچنین انقلاب اسلامی به حالت تعلیق درآمد. اما در سال ۱۹۸۵، هر سه کشور عضو با گرایش بیشتر به همکاری اقتصادی، اکو^۲ را به منظور پیگیری هدف‌های اقتصادی آر. سی. دی. بر پا کردند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۱، زمینه گسترش اکو را فراهم ساخت. دولت‌های آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، با فاصله اندک بدان پیوستند و افغانستان نیز با عضویت در این سازمان شمار اعضای آن را به ۱۰ کشور افزایش داد و بر اهمیت منطقه‌ای آن افزود. در حال حاضر یکی از مهمترین موفقیت‌های اکو به عنوان یک سازمان منطقه‌ای، افزایش تجارت بین کشورهای عضو، بر اساس اصل تجارت آزاد می‌باشد تا از این رهگذر بتواند با چالشهای ناشی از جهانی شدن مقابله نماید.

چارچوب تئوریک

همگرایی به معنی ترکیب و ادغام شدن اجزاء در یک کل است. همگرایی هم در درون یک کشور معنا می‌دهد و هم در درون یک منطقه در میان شماری از کشورها. درون کشور، به معنی یکپارچگی بخش‌های گوناگون کشور است و در منطقه به معنی یکپارچگی کشورهای آن منطقه می‌باشد. همگرایی اقتصادی به معنای افزایش وابستگی متقابل در یک منطقه بر پایه شاخص‌هایی چون بازرگانی درون منطقه‌ای و هماهنگ سازی روش‌ها و مقررات بازرگانی است. همگرایی اقتصادی به پنج گونه تکامل می‌یابد (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۱۲) ۱- ناحیه تجارت آزاد، ۲- اتحادیه گمرکی، ۳- بازار مشترک، ۴- اتحادیه اقتصادی و ۵- اتحادیه سیاسی. کانتوری و اشیپگل، دو پژوهشگر آمریکایی، از نظریه پردازان برجسته در زمینه همگرایی هستند که

. Regional Cooperation for Development
. Economic Cooperation Organization

دیدگاه خود را در سال ۱۹۷۰ مطرح کردند. آنان چهار «متغیرالگویی» را به عنوان مهمترین عوامل مؤثر درون منطقه‌ای برای تعیین حدود طبیعی یک منطقه و نیز میزان انسجام در آن معرفی می‌کنند: ۱- چگونگی و اندازه انسجام؛ منظور از انسجام، اندازه «مشابهت» و نیز «مکمل بودن» واحدهای سیاسی یک منطقه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و وفاداری سازمانی است. ۲- ماهیت ارتباطات، یعنی چگونگی در هم تنیدگی کشورهای منطقه از جهت ارتباط شهروندان، رسانه‌های مشترک و گردشگری. ۳- سطح قدرت؛ در این متغیر به توانایی بالفعل و بالقوه و نیز اراده کشور یا کشورهای یک سازمان در جهت همسان سازی سیاست‌های دیگر کشورها با سیاست‌های سازمان مربوط توجه می‌شود. ۴- ساختار روابط؛ در اینجا توانایی و پیشینه کشورهای عضو در روابط فی مابین از ستیز تا اتحاد بررسی می‌شود. (J.Cantori and Steven L, ۱۹۷۰: ۵)

افزون بر متغیرهای چهارگانه درون منطقه‌ای، این دو پژوهشگر با مطرح ساختن «سیستم اثر گذار» به بررسی نقش و نفوذ قدرت‌های برون منطقه‌ای و خارجی در یک منطقه می‌پردازند و می‌کوشند اثر آن را بر همگرایی ارزیابی کنند.

بررسی عوامل همگرایی در منطقه اکو

اهم عوامل همگرایی را در منطقه اکو می‌توان در چهار مورد زیر در نظر گرفت:

۱) همبستگی اجتماعی (۲) یکپارچگی اقتصادی (۳) همبستگی سیاسی و (۴) یکپارچگی سازمانی

۱. همبستگی اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
همبستگی اجتماعی در میان اعضای اکو با توجه به شاخص‌های قومیت، زبان، خط و فرهنگ تبیین می‌شود.

الف) قومیت

فارس و ترک اقوام غالب در منطقه اکو هستند که این متغییری مثبت در فرایند همگرایی به شمار می‌رود، اما مسئله وجود اقوام گوناگون در کشورهای عضو اکو با توجه به مرزهای خاکی مشترک میان برخی از اعضا و وجود اقوام مشترک در دو سوی مرز می‌تواند کانون بالقوه کشمکش و واگرایی باشد. برای نمونه هرچند موضوع کردها میان ایران و ترکیه در گذر تاریخ

هیچگاه چندان جدی نبوده، اما بارها دو کشور یکدیگر را به پشتیبانی از این یا آن گروه کرد متهم کرده‌اند و همین، گاهی به تیره شدن روابط دو کشور انجامیده است. به هر روی، واقعیت این است که اگر دولت‌ها به دلایل اقتصادی و سیاسی، روابط خوبی داشته باشند، مسائل قومی نیز حل و فصل خواهد شد. ایران و پاکستان در بلوچستان مشکلاتی دارند. ایده تاجیکستان بزرگ نیز همواره مایه اختلاف افغانستان و تاجیکستان بوده است. (J.Cantori and Steven ۵: ۱۹۷۰, L). میان قرقیستان و ازبکستان نیز مشکل استان اوش مطرح است. در مورد ازبک‌های ساکن تاجیکستان و درگیرهای دره فرغانه و ازبکان ساکن ترکمنستان نیز همین مشکل به چشم می‌خورد (آلیکر و ساین، ۱۳۸۲: ۲۵۶). با همه اینها، تفاوت‌های قومی مسأله خاصی در اکو نیست چرا که در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا نیز وضع کما بیش چنین است. تنوع قومی، هم فرصت است و هم تهدید: فرصت از این رو که در کشورهای عضو اکو یافت می‌شوند و با توجه به فرایند جهانی شدن، قومگرایی به حاشیه رانده شده و نقش باز دارنده پیشین را ندارد.

ب) زبان و خط

در میان کشورهای عضو اکو سه زبان عمده وجود دارد. فارسی، ترکی و روسی ولی در عمل این دولت‌ها انگلیسی را به عنوان زبان رسمی پذیرفته‌اند و بدین سان مانند اتحادیه‌های موفق اقتصادی مسأله چندگانگی زبان را از پیش پا برداشته‌اند.

پ) فرهنگ

همه کشورهای عضو اکو از جهان اسلام و بیش از ۹۵٪ جمعیت آنها مسلمانند، اما نقش دین در همه آنها به یک اندازه نیست. در کشورهای تازه استقلال یافته به علت حضور و تبلیغات هفتاد ساله رژیم کمونیستی، تبلور دین در جامعه چندان محسوس نیست. ترکیه نیز در سایه حکومت لائیک، چهره‌ای غیر دینی‌تر از ایران، افغانستان و پاکستان دارد. کما بیش ۷۵٪ جمعیت مسلمان منطقه از اهل سنت و بیشتر پیرو مکتب حنفی‌اند و تنها کردهای ایران و ترکیه پیرو مکتب شافعی‌اند. نزدیک به ۲۵٪ جمعیت شیعه دوازده امامی‌اند که در ایران، افغانستان، آذربایجان و پاکستان زندگی می‌کنند. بدین سان اسلام می‌تواند عامل تسهیل کننده در فرایند همگرایی اکو باشد (آلیکر و ساین، ۱۳۸۲: ۲۵۵).

۲. یکپارچگی اقتصادی

الف) مشابهت نظام اقتصادی: در میان اعضاء اکو تشابه نظام‌های اقتصادی به چشم نمی‌خورد. ترکیه و پاکستان دارای اقتصاد آزاد و ایران دارای اقتصاد مختلط و بازار آزاد است. شش کشور بازمانده از شوروی همگی دارای نظام سوسیالیستی و متمرکزند و پس از استقلال با دشواری‌هایی برای گذار از این نظام و رسیدن به نظام بازار آزاد روبرو بوده‌اند (شیخ حسنی، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

ب) مکمل بودن اقتصاد کشورها: مکمل بودن اقتصاد کشورهای عضو اکو با دو شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سهم درون منطقه‌ای آن و الگوی بازرگانی خارجی کشورهای منطقه و سهم درون منطقه‌ای آن اندازه‌گیری می‌شود. هر چند ساختار اقتصادی کشورهای عضو اکو مکمل یکدیگر نیست اما مزیت‌های نسبی در حوزه اقتصاد آنها وجود دارد که در صورت برنامه ریزی متعهدانه و بر کنار از ملاحظات سیاسی می‌تواند به ایجاد همگرایی کمک کند. در این زمینه می‌توان از صنعت پارچه بافی ترکیه، دانش فنی پتروشیمی و استخراج نفت و گاز و صنایع برق ایران و صنایع هسته‌ای پاکستان نام برد (۱: ۱۹۹۵، UNDP). رویهمرفته اکو با بدست آوردن ۱/۳ در صدد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نزدیک به ۸/۲۷۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته که سهم درون منطقه‌ای آن ناچیز بوده است. بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در اکو از سوی شرکت‌های بزرگ نفتی در پروژه‌های نفتی انجام می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۷۷: ۹۳). ایران، پاکستان و ترکیه ۷/۷ درصد صادرات اکو را در اختیار دارند که سهم ترکیه در این میان به تنهایی ۱/۳۸ درصد برآورد شده است. بر پایه آمارهای سال ۲۰۰۲ سهم صادرات درون منطقه‌ای پاکستان ۹/۴ درصد، ترکیه ۹/۲ درصد، ایران ۱/۲ درصد و تاجیکستان با ۶/۲۶ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. کارشناسان معتقدند که موانع تعرفه‌ای، هزینه‌های جابجایی، رقابتی بودن اقتصاد منطقه اکو و نبود اطلاعات درباره امکانات یکدیگر از عوامل اصلی پایین بودن سطح بازرگانی درون منطقه‌ای اکو است. حجم واردات درون منطقه‌ای اکو کمتر از صادرات درون منطقه‌ای آن است. کشورهای عضو اکو در زمینه واردات بیشتر به خارج از منطقه وابسته‌اند. تجارت برون منطقه‌ای عامل بازدارنده‌ای است که همگرایی در منطقه اکو را دشوارتر می‌سازد. بررسی‌های انجام شده توسط دبیر خانه اکو و مرکز تجارت بین الملل نشان می‌دهد که حجم کل تجارت درون منطقه‌ای اکو تا سه برابر حجم فعلی قابل افزایش می‌باشد و این بدین معنی است که همکاری منطقه‌ای در

چارچوب اکو از ظرفیت و پتانسیل بالاتری برخوردار است که می‌تواند در صورت برنامه ریزی و رفع موانع موجود آن را از قوه به فعل درآورد.

جدول ۱. مهم‌ترین شرکای بازرگانی کشورهای عضو اکو

نام کشور	صادرات	واردات
آذربایجان	ایران-روسیه-گرجستان-چین-ترکیه	ترکیه-روسیه-اوکراین-ایران-آلمان
ازبکستان	روسیه-ایتالیا-تاجیکستان-اوکراین-قزاقستان	کره جنوبی-روسیه-آلمان-قزاقستان-ترکیه
افغانستان	پاکستان-تایلند	سنگاپور-ژاپن-هلند-چین-پاکستان
ایران	ژاپن-انگلستان-فرانسه-ایتالیا-امارات	آلمان-ژاپن-ایتالیا-امارات-انگلیس
پاکستان	آمریکا-چین-انگلیس-آلمان-ژاپن	آمریکا-ژاپن-آلمان-مالزی-چین
تاجیکستان	هلند-ازبکستان-روسیه-قزاقستان-کره جنوبی	ازبکستان-روسیه-قزاقستان-اوکراین-ترکمنستان
ترکمنستان	روسیه-ترکیه-قزاقستان-ایتالیا-ایران	روسیه-ترکیه-اوکراین-آلمان-آمریکا
ترکیه	آلمان-آمریکا-ایتالیا-انگلیس-فرانسه	آلمان-ایتالیا-آمریکا-فرانسه-انگلیس
قزاقستان	روسیه-هلند-چین-ازبکستان-آلمان	روسیه-آلمان-آمریکا-ترکمنستان-ترکیه-ازبکستان
قزاقستان	ازبکستان-روسیه-قزاقستان-سوئیس	روسیه-ازبکستان-قزاقستان-ترکیه-چین

۳. همبستگی سیاسی

نظام سیاسی ده کشور عضو اکو یکسان نیست. افغانستان دارای حکومت جمهوری اسلامی است، اما در سایه حضور نیروهای آمریکایی در خاک خود و همچنین درگیری‌های داخلی و فعالیت گروه القاعده و طالبان با مشکلات سیاسی و امنیتی بسیار روبرو است. در پاکستان نیز شاهد حکومت جمهوری اسلامی هستیم، اما از هنگام برپایی این کشور تاکنون نظامیان با کودتاهای پی در پی همواره قدرت را در دست داشته‌اند. نظام جمهوری اسلامی وضعیتی منحصر به فرد در میان نظام‌های حکومتی اعضای اکو دارد. ۹. در ترکیه شاهد نظام دموکراتیک به شیوه غربی و لائیک هستیم. در کشورهای آسیای مرکزی نیز با وجود هفتاد سال پیشینه نظام‌های بی‌انتخاب و بسته، در سال‌های اخیر جمهوری لائیک برقرار شده است. اما با اندکی توجه در

می‌یابیم که این حکومت‌ها به ظاهر جمهوری هستند. در مجموع به علت نبود همین انسجام سیاسی است که اکو تاکنون نتوانسته است یک موافقت نامه مهم سیاسی به امضا برساند. گفتنی است که حتی ذکر نام خدا بر روی توافقاتی که در تهران صورت می‌گرفت با عکس‌العمل بعضی از اعضا، بویژه ترکیه روبرو می‌شد (ابو الحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۷۶).

۴. یکپارچگی سازمانی

برای یک سازمان داشتن شخصیت حقوقی مستقل جدا از دولت‌های عضو تضمین کننده اعتبار آن است. اکو از این ویژگی برخوردار نیست. عضویت اعضا در سازمان رقیب یا گرایش آنها به آن، یکی از عوامل تضعیف کننده انسجام سازمان اکو است. برای نمونه ترکیه اهمیت بسیاری به اروپایی بودن خود می‌دهد و در آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپا است. از دیگر سازمان‌های رقیب برای اکو سازمان همکاری شانگهای است. روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان اعضاء اصلی و ایران و پاکستان اعضاء ناظر این سازمان هستند. همچنین گرایش آذربایجان به عضویت در نهادهای اروپائی مانند شورای همکاری و امنیت اروپا، نمایانگر دل‌بستگی پایین آن به اکو است. هر چند پیوستگی یا دل‌بستگی کشورهای عضو اکو به دیگر سازمانها و نهادها نشانه پایین بودن جایگاه اکو در چشم کشورهای عضو است ولی سودمندی عضویت در این سازمان هنوز از میان نرفته است (امیدی، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

حال پس از بیان اهم عوامل همگرایی و وضعیت آنها با توجه به چارچوب تئوریک به تجزیه و تحلیل فرایند همگرایی در اکو می‌پردازیم.

ماهیت ارتباطات

هر چه ارتباط میان افراد و نخبگان در یک منطقه بیشتر باشد، همبستگی در آن منطقه افزایش می‌یابد و نخبگان و ادار می‌شوند در جهت پیشبرد فرایند همگرایی گام بردارند. ارتباطات از مهمترین متغیرهایی است که کانتوری و اشپیگل بر آن تاکید کرده‌اند. آنها برای ارتباطات چهار وجه بر می‌شمارند.

۱. ارتباطات شخصی (پست و تلگراف و تلفن)

بنیانگذاران اکو (ایران، ترکیه و پاکستان) روابط گسترده در عرصه پست و تلگراف و تلفن داشته‌اند. نکته مورد توجه مشابهت زبان و خط است که موجب ارتباطات شخصی می‌شود. در

شش جمهوری بازمانده از شوروی سابق ۹۷ تا ۹۹ درصد از جمعیت با سواد هستند (Louis, ۳۰: ۱۹۷۰). به دلیل اهمیت ارتباطات شورای وزیران اکو دهه ۱۹۹۵-۲۰۰۴ را با عنوان «دهه حمل و نقل و ارتباطات» اعلام کرد و از کشورهای عضو خواست تا طرح کویته پاکستان را در اولویت قرار دهند. در زمینه توسعه نیروی انسانی ترکیه در رأس کشورهای عضو اکو قرار دارد (UNESCO, ۱۹۹۳).

۲. ارتباطات جمعی و رسانه‌های گروهی (روزنامه، رادیو، تلویزیون)

در زمینه ارتباطات جمعی نیز زبان روسی و ترکی، هر یک به سهم خود، روند همگرایی در میان اعضای اکو را تسهیل می‌کنند (پیشداد، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

۳. رفت و آمدها و مبادلات نخبگان

الف - گردشگری

شمار جهانگردان خارجی که در سال ۲۰۰۲ به منطقه اکو آمده‌اند ۱۶/۳۹۱ میلیون تن بوده و در میان اعضای اکو ترکیه دارای بیشترین جاذبه توریستی است (پیشداد، ۱۳۸۲: ۱۵۸).

ب - سفرهای دیپلماتیک

در میان کشورهای عضو اکو، ترکمنستان بیشترین تمایل را به میزبانی و مشارکت در اجلاس‌ها از خود نشان داده است. در کنار سفرهای دیپلماتیک، رفت و آمدهای بسیاری در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی صورت گرفته است. برگزاری سمینارها، از جمله سمینار آسیای مرکزی و قفقاز از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سمینارهایی در باره جاده ابریشم و مسائل حقوقی و اقتصادی دریای خزر گامی مهم برای همگرایی منطقه‌ای محسوب می‌شود (شیخ حسنی، ۱۳۷۵: ۱۳۹).

۴. حمل و نقل

سه بنیان گذار اکو به آبهای آزاد دسترسی دارند و می‌توانند نیازهای خویش را برطرف سازند ولی هفت جمهوری تازه استقلال یافته همگی محاط در خشکی‌اند. ازبکستان تنها کشور جهان است که برای دسترسی به آبهای آزاد باید از دو کشور همسایه عبور کند (UNDP, ۱۹۹۵). جمهوری اسلامی ایران که در مرکز اکو واقع گردیده و با پنج کشور عضو همسایه است از شرایط جغرافیایی مناسبی برای ترانزیت کالاها برخوردار است (کاظمی، ۱۳۷۷: ۹۵).

الف - خطوط جاده‌ای

در سالهای اخیر کوششهای فراوانی برای احیای جاده ابریشم از سوی یونسکو و مجامع و سازمانهای مختلف منطقه‌ای به عمل آمده است (صادقیان خوری، ۱۳۷۷: ۱۵۶). حاصل این مطالعات به صورت کتابی از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد انتشار یافته است. سرانجام در کنفرانس بین‌المللی احیای جاده ابریشم که در سپتامبر ۱۹۹۸ با حضور رؤسای جمهور و ۱۳ سازمان جهانی و منطقه‌ای در باکوی آذربایجان برگزار شد، موافقت‌نامه‌ای به امضاء رسید که دبیرخانه دائمی احیای جاده ابریشم در این شهر مستقر گردید. به این ترتیب آذربایجان که در نقاط تقاطع آسیا و اروپا قرار دارد به قطب ترانزیت منطقه تبدیل شد (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۸۱).

ب - راه آهن

۱. در میان کشورهای عضو اکو، آذربایجان بیشترین خطوط ریلی را نسبت به وسعت سرزمین خود دارد و افغانستان تنها کشوری است که اصلاً خط آهن ندارد. مهم‌ترین گامی که در سالهای اخیر در منطقه اکو برداشته شده، اتصال خطوط آهن آسیای مرکزی به آبهای آزاد در خلیج فارس بوده است. این طرح با احداث راه آهن بافق - بندر عباس و نیز مشهد - سرخس تسریع می‌گردد (ابرار اقتصادی، ۱۸ شهریور ۱۳۷۷). در میان کشورهای عضو اکو، بیشترین ارتباط میان ترکیه و دیگر کشورهای اکو صورت گرفته که علت آن تسهیلات گذرنامه‌ای و حذف روادید بوده است. اگر اکو بخواهد ارتباط در میان اعضا افزایش یابد، باید تشریفات زاید در زمینه گرفتن روادید را از میان بردارد.

ج - خطوط لوله نفت و گاز

عامل مهم دیگر افزایش همگرایی منطقه‌ای، خطوط نفت و گاز در منطقه اکو است. قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان دارای خطوط لوله مشترک هستند. تلاش این کشورها برای انتقال گاز خود به ترکیه و پاکستان از راه ایران یا افغانستان به همگرایی در منطقه کمک چشمگیری خواهد کرد. هر چند چنین می‌نماید که خط لوله باکو - جیهان ایران را در حاشیه قرار دهد. قرقیزستان و ترکمنستان تولید کنندگان بزرگ برق به شمار می‌آیند و به دیگر کشورهای آسیای مرکزی برق صادر می‌کنند. اتصال شبکه‌های برق ایران، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان و آذربایجان، از سال ۲۰۰۳ موجب افزایش همکاری شده است (Tasahat, ۱۹۹۴: ۸۴).

جدول ۲. وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی در منطقه اکو (۱۹۹۶)

نام کشور	تلویزیون (به ازای هر هزار نفر)	روزنامه (به ازای هزار نفر)
آذربایجان	۲۱۲	۳۵
ازبکستان	۱۹۰	۳۱
افغانستان	-	-
ایران	۱۶۴	۳۸
پاکستان	۲۴	۲۳
تاجیکستان	۲۷۱	۲۷
ترکمنستان	۱۶۳	۲۱
ترکیه	۳۰۹	۹۵
قزاقستان	۲۷۵	۴۱
قرقیزستان	۱۸۱	۳۳

منبع:

Itu, world Telecommunication Indicators ۱۹۹۷' Geneva: International Telecommunications Union, ۱۹۹

میزان قدرت در اکو و نقش آن در همگرایی

سه کشور بنیانگذار اکو هر چند در منطقه از قدرت چشمگیری برخوردارند اما این سه کشور با یکدیگر هم رأی نیستند و هر یک سیاست ویژه خود را دنبال می‌کنند. همچنین قدرتهایی مانند روسیه، چین و آمریکا در این سالها بیشتر در منطقه حضور یافته‌اند و با بستن قراردادهای اقتصادی، دفاعی و امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی مجال فعالیت را از ایران، پاکستان و ترکیه گرفته‌اند. برداشت دولتهای آسیای مرکزی از بنیاد گرایی اسلامی بعنوان یک خطر سبب شده است که آنها با روسیه، چین و آمریکا در برابر تهدید بنیاد گرایی اسلامی موافقتنامه ای دفاعی امضا کنند و بسیاری از رهبران کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان سعی نمایند مشکلات امنیتی خود را با چنگ زدن به دامن قدرتهای فرا منطقه‌ای چون آمریکا و اسرائیل از میان بردارند. در منطقه اکو هر چند کشمکشهای سیاسی و اختلافهای مرزی هر از گاه میان کشورهای عضو نمود می‌یابد ولی از آغاز تاکنون کشورهای عضو هیچ گاه گرفتار

بررسی فرایند همگرایی در سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو

برخوردهای نظامی مرگبار نشده‌اند که این می‌تواند نکته مثبتی در فرایند همگرایی کشورهای عضو باشد (<http://www.Ecosecretariat.Org>).

تولید ناخالص داخلی اکو (۲۰۰۲)

نام کشور	میلیون دلار آمریکا
اذربایجان	۶۱۵۶
ازبکستان	۹۷۰۷
افغانستان	۴۰۴۸
ایران	۱۱۵۹۱۲
پاکستان	۶۹۵۷۶
تاجیکستان	۱۲۱۷
ترکمنستان	۸۸۰۰
ترکیه	۱۸۱۵۶۹
قزاقستان	۲۴۴۴۴۷
قرقیزستان	۱۶۱۵

منبع: [www.ecosecretariat.org/ftproot/publication/Annual economic Report/](http://www.ecosecretariat.org/ftproot/publication/Annual%20economic%20Report/)

Macro economic overview of Eco countries.

ساختار روابط

ساختار روابط به معنی سرشت روابط کشورهای عضو سازمان از حد مثبت تا حد منفی یک طیف است. حد مثبت روابط را زمینه همبستگی و نهایت حد منفی را جنگ می‌دانند. در منطقه اکو، هر چند کشمکشهای سیاسی و اختلافهای مرزی میان کشورهای عضو نمود می‌یابد، ولی از آغاز کار اکو تاکنون کشورهای عضو هیچگاه سابقه برخوردهای نظامی خشونت بار را نداشته‌اند و این می‌تواند نکته مثبتی در فرایند همگرایی کشورهای عضو باشد و تا حدودی به این معناست که اختلافهایی در میان نیست که نتوان از راه دیپلماسی بر آنها چیره شد (بصیری و ایزدی زمان آبادی، ۱۳۸۳: ۹۶).

نقش قدرتهای برون منطقه‌ای

قدرت‌های اثر گذار در منطقه اکو یعنی روسیه، آمریکا، اسرائیل به شیوه‌های گوناگون برای اثرگذاری بر کشورهای عضو این سازمان بهره گرفته‌اند. کمک‌های بازرگانی و سرمایه گذاری اقتصادی، بهره‌گیری از سازمان ملل متحد و رویارویی و براندازی، شیوه‌هایی بوده که قدرتهای بزرگ از آن بهره گرفته‌اند. پنج کشور آسیای مرکزی و آذربایجان، میدان رقابت فشرده و سنگین قدرت‌های اثرگذار بوده است. جنگ‌های داخلی تاجیکستان، افغانستان و قره باغ نمونه‌هایی از مداخله قدرتهای بزرگ بوده است. پشتیبانی آمریکا از الگوی لائیک ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز و کمک‌های کلانش به کشورهای منطقه برای دور ساختن آنها از ایران و روسیه، گسترش دامنه ناتو به شرق، تلاش روسیه برای بازیابی جایگاه گذشته خود در خاور نزدیک، تلاش این قدرتها برای پر خطر جلوه دادن بنیاد گرایی اسلامی، گسترش روابط اسرائیل و ترکیه، نقش قدرتهای بزرگ در مسائل دریای خزر به انسجام سازمانی اکو آسیب می‌رساند (پور سلطان، ۱۳۷۳: ۳۲).

ارزیابی عملکرد اکو

اگر چه تاکنون نقد و بررسی جامعی از عملکرد اکو به رشته تحریر در نیامده لیکن با توجه به منابع و مآخذ موجود می‌توان در مجموع دو دیدگاه غالب در مورد عملکرد اکو را تشخیص داد.

الف) منتقدین عملکرد اکو: این گروه که عمدتاً به خارج از مجموعه اکو، خصوصاً کشورهای غربی تعلق دارند، عدم تحقق بعضی از برنامه‌های اکو و پیشرفت آهسته برنامه‌های دیگر آن را بخاطر مشکلات مالی اعضای اکو برای تقبل هزینه‌های بالای طرحهای آن، نامتجانس بودن و تفاوت وضعیت اقتصادی کشورها قلمداد می‌کنند (بلوز و لمکو، ۱۳۷۳: ۹۶).

۱. مشکلات مالی اکو

این گونه مشکلات را نیز نمی‌توان لاینحل تلقی نمود. مضافاً این که در بسیاری پیمانهای اقتصادی مواردی مشابه را می‌توان یافت. به عنوان نمونه موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، علی‌رغم عضویت دو کشور ثروتمند صنعتی آمریکا و کانادا از مشکلات مالی رنج برده، که برای حل آن کارشناسان توصیه‌هایی نموده‌اند (حقی، ۱۳۷۰: ۵).

۲. نامتجانس بودن وضعیت اقتصادی اعضای اکو

نامتجانس بودن وضعیت اقتصادی اعضای اکو مثل تفاوت فاحش بین تولید ناخالص ملی افغانستان در مقایسه با ایران یا ترکیه، بعضی را به اتخاذ دیدگاه منفی نسبت به آینده اکو واداشته است. حال آنکه باز به عنوان مثال در پیمان نفتا، عدم تجانس اوضاع اقتصادی موضوعی بارز و بدیهی بوده که طرفداران این پیمان، تحلیل‌هایی پیرامون قابلیت ادغام مناطق ارائه داده که بدون پرداختن به توجیهات اقتصادی و اجتماعی مزبور، امکان اجرای برنامه‌های مشابه در داخل اکو را می‌توان متصور دانست.

ب) طرفداران اکو: طرفداران ضمن پذیرش نقاط ضعف موجود در عملکرد گذشته اکو، با انجام برخی اصلاحات آینده روشنی را برای آن پیش بینی می‌کنند.

برخی از منتقدین، عدم پیشرفت سریع برنامه‌های اکو را دلیلی برای خوشبین نبودن نسبت به آینده اکو عنوان داشته‌اند. لیکن باید توجه داشت که فرایند تحقق هر برنامه اقتصادی در داخل کشورها مستلزم برنامه ریزی دقیق می‌باشد.

اقتصاد دانان مراحل زیر را برای تحقق یک برنامه اقتصادی کامل بین کشورها برشمرده‌اند:

۱. تشکیل منطقه تجارت آزاد؛ از طریق آزادی تجارت بین کشورهای عضو و استفاده از تعرفه‌های متفاوت برای کشورهای غیر عضو صورت می‌گیرد.
۲. تشکیل اتحادیه گمرکی؛ از طریق برقراری تعرفه‌های مشترک گمرکی توسط اعضا در مقابل کشورهای غیر عضو انجام می‌پذیرد.
۳. تشکیل بازار مشترک؛ از طریق آزادی نقل و انتقال نیروی کار و سرمایه بین کشورهای عضو بتدریج عملی می‌گردد.
۴. تشکیل اتحادیه اقتصادی؛ از طریق هماهنگ سازی سیاستهای اقتصادی داخلی کشورهای عضو در مقابل کشورهای غیر عضو شکل می‌گیرد.
۵. ایجاد ادغام کامل اقتصادی؛ از طریق برقراری واحد پولی و سیاستهای مالی مشترک بین اعضا تحقق می‌یابد (North American Free Trade Agreement (NAFTA)).

موانع توسعه اکو

الف) موانع خارجی

نظر به این که اکو دارای ظرفیتهای بالقوه زیادی اعم از نیروی انسانی و منابع طبیعی بوده و توسعه آن در منطقه استراتژیک آسیای مرکزی و غربی، مانع از حضور سلطه گرایانه قدرت‌های خارجی خواهد گردید، بیشترین مخالفتها و اقدامات تضعیف کننده اکو طی چند سال اخیر از ناحیه دو کشور روسیه آمریکا صورت گرفته است.

۱. مواضع روسیه در قبال اکو

شش عضو جدید اکو وابستگی شدیدی به فدراسیون روسیه داشته و منابع غنی طبیعی، نفتی و گازی این جمهوریها تأمین کننده سوخت و مواد اولیه کارخانه جات صنعتی روسیه بوده است. بدین لحاظ بعد از تجزیه شوروی، دولت روسیه به روشهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی سعی در استمرار نقش خود بعنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری این جمهوریها داشته است (ریوکین، ۱۳۷۳: ۶۹). از جمله حمایت از اقلیتهای ساکن روس سایر جمهوریها (پاکدامن، ۱۳۷۳: ۱۷۰)، دخالت نظامی در منازعات قومی و ایجاد جامعه مستقل مشترک المنافع از ابتکارات روسیه برای حفظ مجموعه جمهوریهای شوروی سابق با محوریت روسیه بوده است. دولت روسیه طی پیامی خواستار انتخاب بین اکو و جامعه مزبور توسط این جمهوریها شده است (تت، ۱۳۷۳: ۱۸۸).

۲. مواضع کشورهای غربی در قبال اکو

بعد از استقلال جمهوریهای مزبور، بهترین فرصت برای شرکتهای غربی حاکی از توجه خاص آنها نسبت به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان قرارداد قزاقستان با شرکتهای گاز بریتانیا و ایتالیا برای توسعه میدان گاز طبیعی خاطر نشان ساخت. لیکن با الحاق شش جمهوری مسلمان شوروی سابق به اکو، مانع بزرگی در مقابل تحقق کامل مقاصد غرب بالاخص آمریکا بوجود آمده است که طبیعتاً آمریکا و کشورهای غربی در حد مقدور به مانع زدایی خواهند پرداخت (Drew, ۱۹۹۲: ۲۵۰).

ب) موانع داخلی

۱. عدم برنامه ریزی بهینه متناسب با امکانات و اهداف اصلی

فعالیت‌های همزمان اکودر جنبه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی بدون برنامه ریزی دقیق نه تنها مانع تحقق بسیاری از مصوبات می‌گردد بلکه موجب می‌شود که اهداف اصلی و فوری اکو به فراموشی سپرده شود. سطح روابط اکو با سازمانهای صنعتی و بازرگانی از جمله یونیدو و آنکتاد که زمینه تخصصی آنها با برنامه‌های زیربنایی و اصلی اکو سنخیت بیشتری دارد، بسیار پایینتر از سطح روابط اکو با سایر سازمانهای بین‌المللی، از جمله یونیسف و یونسکو که در زمینه‌های عمدتاً فرهنگی و اجتماعی فعالیت دارند، می‌باشد (Drew, ۱۹۹۲: ۲۵۰). به منظور توسعه فعالیت‌های اقتصادی اکو، در ارتقاء سطح روابط با اتحادیه اروپا نیز تحرک مثبتی از جانب اکو دیده نمی‌شود، در صورتی که مثلاً شاهد رشد سریع روابط بین آ. سه. آن. با اتحادیه اروپا می‌باشیم.

۲. کمبود توان مالی

اصلاح ساختار اقتصادی و صنعتی کشورهای عضو به سرمایه‌های هنگفتی نیاز دارد که همه کشورهای عضو به دلایل مختلف فاقد توان مالی بالا برای تقبل هزینه‌های طرح‌های عظیم صنعتی اکو هستند. با اتخاذ دو تدبیر می‌توان بر بخش عمده‌ای از این مشکلات فائق آمد. اول، تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری مشترک اکو متشکل از سرمایه کشورهای عضو می‌تواند بدون آنکه فشار مالی مستقیمی بر هر یک از کشورهای عضو وارد آید بسیاری از طرح‌های زیربنایی اکو را به اجرا در آورد.

دوم، اکو می‌تواند برای تأمین بخش عظیمی از منابع مالی مورد نیاز به جهان اسلام روی آورد. بانک توسعه اسلامی می‌تواند مشارکت بیشتری در طرح‌های اقتصادی اکو داشته باشد. با دیپلماسی فعالتر، مقامات اکو می‌توانند دولتهای ثروتمند اسلامی خارج از اکو یا شرکتهای واقع در این کشورها را برای همکاری و مشارکت در برنامه‌های اقتصادی اکو ترغیب کنند.

موقعیت اکو بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر

یک سری از پیامدهای حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را می‌توان برای اکو مثبت دانست:

۱. حذف طالبان: حذف طالبان موجب می‌شود که یک سری از مشکلات که در درون اکو و میان اعضای آن به وجود آمده بود تاحد زیادی تقلیل یابد. به عنوان مثال پاکستان، حکومت طالبان و ایران آقای ربانی را به رسمیت می‌شناخت. به همین دلیل حذف طالبان باعث می‌شود که نقطه اختلافی که میان ایران و پاکستان وجود داشت، تا حد زیادی رفع شود.

۲. پایان جنگ داخلی افغانستان واستقرار یک حکومت که مشروعیت بین المللی دارد و کشورهای جهان نیز آن را شناسایی می‌کنند نیز یکی از عوامل مثبت است. چرا که افغانستان حکومت جدا و از هم پاشیده‌ای داشت و هیچ فعالیت اقتصادی مهمی در آنجا انجام نمی‌گرفت. در داخل اکو این حکومتها هستند که تعیین کننده اهداف اکو و عملی ساختن آنها هستند و شکل گیری دولتی قانونی در افغانستان در تحقق اهداف اکو می‌تواند بسیار مؤثر باشد و حتی خود میزبان برخی نشستهای اکو گردد.

۳. بازسازی افغانستان باعث می‌شود اکو مطرح و فعالتر شود چنانکه دبیر کل سازمان از اکو خواسته است که برنامه‌هایی را در ارتباط با بازسازی افغانستان ارائه دهد.

کشورهای تازه استقلال یافته، امروزه دیگر کشورهای بی تجربه سابق نیستند بلکه کشورهای هستند که حتی در بعضی دیگر از زمینه‌ها از کشورهای دیگر موفق تر می‌باشند. مانند قزاقستان که می‌تواند چندین برابر ایران سرمایه گذاری خارجی جذب کند و همچنین آذربایجان. این کشورها می‌توانند تجارب خود را در اختیار دیگر اعضای اکو قرار دهند.

دبیر خانه اکو طی این مدت پیشرفت‌هایی را حاصل کرده است. از لحاظ ساختاری کاملتر و از لحاظ عملکرد حرفه‌ای تر شده و از بودجه مرکزی برخوردار گردیده است.

اما باتوجه به حوادث ۱۱ سپتامبر شرایطی هم به وجود آمده که با شرایط قبلی متفاوت می‌باشد. با توجه به این شرایط باید گفت شرایط بین المللی مقداری برای اکو تنزل پیدا کرده است (شهبایی، ۱۳۸۶: ۳۴).

اولاً این کشورها اعتماد به نفس خود را به دست آورده‌اند زیرا احساس می‌کنند ابرقدرت امریکا پشتیبان آنهاست. البته نباید از نظر دور دارند که ایالات متحده امریکا بیشتر منافع خود را دنبال می‌نماید.

ثانیاً، این که دیگر این کشورها منبع تهدید خود را نه شوروی سابق، بلکه عمدتاً منبع تهدید خود را رادیکالیزم داخلی و انتقال مواد مخدر می‌دانند. از اینرو کشورهای اکو بیشتر به سازمانهایی روی می‌آورند که مبارزه با چنین مواردی در دستور کارشان است که از جمله

می‌توان به سازمان همکاری شانگهای اشاره کرد که عمده‌ترین محور همکاری این سازمان مبارزه با رادیکالیسم داخلی و مبارزه با مواد مخدر است.

یکی دیگر از دلایل روی آوردن این کشورها به این گونه سازمانها این است که این کشورها امید بیشتری دارند که در فضای جدیدی که بوجود آمده این گونه کمک‌ها را از جاهای دیگر دریافت کنند. به طور مثال در بودجه ضد تروریسم، آمریکا ۱۰۰ میلیون دلار به ازبکستان اختصاص داده است. همچنین اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر کمک‌های مالی خود را به این دسته کشورها افزایش داده‌اند.

بنابراین از جهت اقتصادی فضای جدیدی برای این کشورها باز شده است به طوری که توانسته‌اند کمک‌های مالی این سازمانها را جذب کنند. به همین دلیل وابستگی‌شان به اکو کم شده است. به عبارت دیگر با این که فضای مناسبی به وجود آمده ولی از برخی جهات هم تحولات ۱۱ سپتامبر باعث شده است که از میزان وابستگی این کشورها به اکو کاسته شود که این خود چندان نوید بخش نیست.

نتیجه‌گیری

با توجه به عوامل ذکر شده اکو برای رسیدن به همگرایی راهی دراز در پیش دارد. از مجموعه عوامل همگرایی تنها عامل انسجام اجتماعی از عوامل مؤثر در زمینه همگرایی در منطقه اکو بوده یعنی قومیت و زبان مشترک و فرهنگ مشترک با محوریت ایدئولوژی اسلام. اما عوامل دیگر یعنی همگرایی اقتصادی، سیاسی و سازمانی بیشتر به عنوان عوامل واگرا در منطقه اکو ایفای نقش می‌نمایند. نکته مهم در فرایند همگرایی در منطقه اکو ارتباطات است. با توجه به اهمیت استراتژیک سازمان اکو در تعاملات اقتصادی جهان، مرز مشترک با اروپا، خلیج فارس، روسیه، هند و چین، و وجود ایران به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز در منطقه اکو و ترکیه به عنوان دروازه سازمان همکاری اقتصادی، اکو تاکنون نتوانسته است به یک سازمان فعال در عرصه همکاریهای منطقه‌ای بدل شود. به طور کلی، عوامل واگرایی در سازمان اکو را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد.

۱. تفاوت ساختار اقتصادی کشورهای عضو: مثلاً کشورهای آسیای مرکزی که در حال گذار از یک سیستم متمرکز به سوی اقتصاد بازار هستند و یا گسترده بودن بخش خصوصی در ترکیه نسبت به دیگر کشورهای عضو؛

۲. فقدان برنامه مدون اقتصادی و نامکمل بودن اقتصاد کشورهای عضو همراه با ضعف و نوظایی بخش خصوصی؛
 ۳. فقدان سرمایه برای توسعه در اکثر کشورهای عضو به خصوص افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی؛
 ۴. نبود نهادهای لازم به منظور حمایت از روابط تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی در برخی از کشورهای عضو؛
 ۵. ضعف قوانین و مقررات ناظر بر تجارت و سرمایه‌گذاری در برخی از کشورهای عضو و حجم نه‌چندان چشمگیر تعاملات اقتصادی بین سه کشور قدرتمند سازمان (ایران، ترکیه و پاکستان)؛
 ۶. اعمال نفوذ برخی کشورهای خارجی و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و اسرائیل.
 ۷. تفاوت رژیمهای سیاسی و تعارضات سیاسی و عقیدتی بین اعضا، نوظا بودن حکومت و فقدان امنیت وثبات سیاسی در برخی از کشورها؛
 ۸. دلبستگی اعضا به غیر از منطقه، مثلاً همکاری ترکیه با غرب به ویژه آمریکا و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا؛ یا پاکستان که در تعاملات اقتصادی نیم‌نگاهی به شرق و نیم‌نگاهی به غرب دارد؛
 ۹. حل نشدن رژیم حقوقی دریای خزر، که روابط کشورهای ذینفع در این را بطه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و کدورت‌های سیاسی مانع در روند همگرایی سیاسی و اقتصادی بین اعضای سازمان اگو می‌شود.
- نگاهی به کارنامه اگو نشان می‌دهد عوامل سیاسی در این پیمان بر جنبه‌های اقتصادی آن غلبه داشته است. اگر چه سیاست و اقتصاد همواره تأثیر متقابلی بر یکدیگر داشته‌اند اما به دلیل دولتی بودن اقتصاد در اکثر کشورهای عضو، تأثیر سیاست بر تصمیمات اقتصادی این سازمان دوچندان می‌شود.
- پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مشکل بنیادی اگو نبود زمینه و امکانات لازم برای همکاری اقتصادی نیست، بلکه نبود اراده سیاسی و زیرساخت‌های نهادی برای پویاسازی این سازمان است. برای افزایش همگرایی در اگو راهبردهایی پیشنهاد می‌شود:
۱. به فعالیتهای انجام شده و موفقیت‌های کسب شده سرعت بیشتری داده شود.

۲. باید به تأسیس سازمانهای اقماری و شبکه‌ای اکو در کشورهای دیگر تا جایی که می‌شود کمک کرد.
۳. سعی کنیم توزیع جغرافیایی کارکنان اکو را تا حدی مناسب‌تر کنیم.
۴. تقویت دبیرخانه و افزایش شمار کارشناسان آن. دبیرخانه اکو باید برای این سازمان استراتژی کاربردی تعریف کند و توافقی‌های به دست آمده در نشستهای رسمی اکو باید از دید حقوقی برای اعضا الزام آور شود.
۵. شبکه ترابری مهمترین مزیت نسبی برای کشورهای عضو است. پیشنهاد می‌شود که کشورهای عضو با بستر سازی نهادی، امکان سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در این حوزه فراهم کنند زیرا پیوند یافتن کشورهای عضو با راههای ارتباطی به یکدیگر، زمینه گسترش فرایند همگرایی به بخش‌های دیگر اقتصادی را نیز فراهم می‌سازد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۴). «تداوم اقتدارگرایی در آسیای مرکزی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۷، بهار.
- امیدی، علی (۱۳۸۵). «روند همگرایی در اکو و آ.سه.آن»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۳-۲۲۴، فروردین و اردیبهشت.
- آلیکر، اولگا و سائنا، تامس (۱۳۸۲). گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه، عباس کاردان و حسن سعید کلاهی خیابان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- بصیری، محمدعلی و ایزدی زمان‌آبادی، مژگان (۱۳۸۳). «اهداف سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۸، زمستان، صص ۹۱-۱۲۷.
- بلوز، ریچارد و لمکو، جانانتان (۱۳۷۳). نفتا، الگویی برای توسعه، مزایا و هزینه‌های ادغام مناطق مزد پائین و مزد بالا تهران، ترجمه غلامرضا آزاد و محمود محمدیان، تهران: حرف اول.
- پاکدامن، رضا (۱۳۷۳). «نقش روسیه در اقتصاد جمهوری آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۸، زمستان.
- پیشداد، سعید (۱۳۸۲). «ماهیت ارتباطات در منطقه اکو و تأثیر آن بر هم‌گرایی کشورهای عضو»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۷۶-۱۵۱.
- تت، گیلیان (۱۳۷۳). «سرمایه‌گذاری غرب در آسیای مرکزی، خیال‌واهی، یا راهی به سوی آینده»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸، زمستان.
- حقی، محمدعلی (۱۳۷۰). «بازار مشترک اسلامی و موانع اقتصادی»، نشریه زمینه، شماره ۹، اسفند.
- شهابی، سهراب (۱۳۸۶). «موقعیت اکو بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر»، بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۱ شهریور.
- شیخ حسنی، کامبیز (۱۳۷۵). اکو یک دیدگاه منطقه‌ای، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صادقیان خوری، وجیهه (۱۳۷۷). «مسئله ترانزیت کالا از ایران، رقابت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۳، پائیز، صص ۱۵۸-۱۵۶.
- روزنامه ابرار اقتصادی، ۱۸ شهریور ۱۳۷۷.

روزنامه خراسان، «اکو؛ صاحبان نیمی از ثروت جهان، ناموفق در برنامه‌ریزی و اجرا»، ۷۹/۳/۱۹.
کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۷). «توسعه و مسئولیت ترانزیت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»،
فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، بهار، صص ۱۰۸-۹۱.
کتاب سبز اکو (۱۳۷۷). گردآوری و تنظیم: دفتر امور اکو، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
کرامت پور، سلطان (۱۳۷۳). «به سوی الگوی گسترده‌تر»، **جامعه سالم**، شماره ۱۱، فروردین، صص
۳۰-۳۶.

ریوکین، مایکل (۱۳۷۳). «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات منطقه»، **فصلنامه مطالعات آسیای
مرکزی و قفقاز**، شماره ۸، زمستان، صص ۷۳-۶۹.
محمدی، سجاد (۱۳۷۶). «دومین اجلاس بین‌المللی جاده ابریشم»، **فصلنامه مطالعات آسیای
مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۸، تابستان، صص ۱۸۵-۱۷۳.
منون، راجان (۱۳۷۶). «امنیت در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی»، ترجمه منوچهر
شجاعی، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۱۵-۱۱۶، فروردین و اردیبهشت.
نقیب زاده، احمد (۱۳۸۲). اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز، تهران: نشر قومس.
یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۸۳). «نقش اسلام در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی»، **فصلنامه
مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۴۸، زمستان، صص ۱۹۶-۲۰۱.

ب) منابع انگلیسی

Louis J. Cantori and Steven L (). Spiegel, The International politics of
Region: A Comparative Approach, Prentice-Hall, Inc, Englewood Cliffs, New
Jersey.

Drew John (). Doing Business in the European Community rd ed.
(London: Whurr Publishers.

North American Free Trade Agreement (NAFTA).

Seyed H. Tasahat (). "Prospects of Future Relations between Pakistan and
Central Asia Republics," National Development and Security, Vol. , No. .
August, pp. - .

[http://www. Ecosecretariat. Org/ ftproot/ publications/ Annual Economic
Report/ Macro economic overview of ECO countries.](http://www.Ecosecretariat.Org/ftproot/publications/AnnualEconomicReport/MacroeconomicoverviewofECOcountries)

UNDP (). Central Asia's Trade Links with the World: Silken Past,
Troubled Present, Promising Future; Expanding Trade through Regional Transit
Cooperation, New York: United Nations Development Programme, Table .

UNESCO (). Correspondence on Adult Literacy Rates, Paris Report of Third Meeting of ECO Council of Ministers, Quett (Pakistan), - February , Tehran: ECO Secretariat.

